

نظریه امنیتی اسلام بر اساس پرسش های هفتگانه امنیتی

□ میرزا حسین فاضلی *

چکیده

در این تحقیق به این بحث پرداخته شد که عمده ترین پرسش های امنیتی براساس فقه سیاسی اسلام؛ چگونه پاسخ داده می شود. این پرسش ها که عبارت باشد از: مفهوم امنیت؛ ابعاد امنیت، سطح امنیت؛ مرجع امنیت؛ دوست و دشمن (خودی و غیر خودی) درنگاه امنیتی؛ روش تحصیل امنیت و راهکارهای استراتژیک امنیتی؛ پاسخ های خود را از فقه سیاسی اسلام به نیکی باز یافته است. در فقه سیاسی مفهوم امنیت، به «بقای ابدی» قابل تفسیر است. همان سان که در این نگاه؛ ابعاد امنیت به «صورت تعالی یافته» قابل تفسیر است که شامل بعد مادی و معنوی و دنیوی و اخروی می گردد. در این نگاه، سطح امنیت، از انسان آغاز می گردد؛ امنیت انسان، در گام نخست؛ در سه سطح جسم، روح و نفس، باید تأمین گردد و آنگاه که انسان در این سه سطح پیش گفته؛ امنیت خویش را تأمین شده یافت، در فکر امنیت پیرامون خود خواهد شد، امنیت خانواده، محیط، منطقه؛ کشور و سرانجام امنیت بین الملل؛ در این فرایند پیش بینی شده است. نگاه فقه سیاسی در خصوص مرجع امنیت، نگاه ذومراتبی است. می توان گفت در این نگاه «اسلام» مرجع نهایی امنیت دانسته شده. در این سلسله مراتب، اسلام و آموزه های دینی، در رأس هرم قرار داشته و آنگاه نفس انبیا و اولیا، در مرتبه بعدی قرار گرفته، انسان، اعم از مسلمان و کافر، بر اساس پای بندی به اعتقادات، در ادامه این سلسله قرار گرفته و این فرایند تا محیط زیست امتداد یافته است. در بحث خودی و غیر خودی، «تقابل بین الله و طاغوت» دیده می شود همان گونه که در بحث روش های تحصیل امنیت «اقتدار» و «اقتناع» مطرح است فقه سیاسی اسلام «ایمان به اضافه پرهیز از ظلم» را در این بحث، معیار قرار داده است و جهاد چهار گانه در این جا قابل طرح است. و سرانجام در

بحث راهکارهای استراتژیک امنیتی «تغییر وضع موجود» را دنبال می کند که این فرایند تا استقرار حکومت آرمانی مهدوی (عج) ادامه خواهد داشت.

واژه گان کلیدی: امنیت، فقه سیاسی، سطوح امنیت، مرجع امنیت، راهکارهای استراتژیک

مقدمه

بیان مسأله: در زمینه‌ی ارائه چارچوب‌های مفهومی مطالعه پدیده‌های بین‌المللی عمدتاً دو نظریه اساسی مورد مطالعه قرار گرفته و این دو نظریه عبارتند از ایده آلیسم و رئالیسم، عمده‌ترین تفاوت این دو نظریه در باب امنیت بازگشت به میزان، خوش‌بینی یا بدبینی آنان مربوط می‌شود. دیدگاه و نگرشی رئالیستی (واقع‌گرایی) نسبت به بشر همان دیدگاه هابزی است که ریشه در جنگ و درگیری و نزاع‌ها را نهفته در ذات بشر می‌داند، به دلیل اینکه علت جنگ را منفعت طلبی، زیاده‌طلبی و نهایتاً قدرت طلبی بشر می‌داند.

۱. واقع‌گرایان

از نظر واقع‌گرایان از میان سطوح امنیت، امنیت ملی نقش اساسی و محوری را دارد زیرا، دولت نقش اصلی در تأمین امنیت و یا ناامنی دارند و در این رهیافت به امنیت نظامی در روابط بین‌الملل تأکید شده است، زیرا عرصه سیاست بین‌المللی عرصه مبارزه برای قدرت دولت‌های حاکم در جهان هرج و مرج آمیز به شمار می‌آید بنابراین، در رهیافت رئالیستی امنیت دولت محور است. واقع‌گرایی نزدیک نیم قرن بر مباحث امنیتی سلطه داشت، ویژگی‌های اصلی این اندیشه سنتی امنیت عبارتند از: ۱. دولت محوری؛ ۲. تأکید بر تهدیدهای نظامی و مطالبه مقتدرانه؛ ۳. تلاش در جهت حفظ وضع موجود.

دیدگاه رئالیستی، متضمن دیدگاه مشترک در باره سیاست بین‌المللی است که گزاره مشترک آنها قدرت است اما ملاک اصلی از کسب قدرت و حفظ واز یاد و نمایش آن به دست آوردن و حفظ امنیت ملی است که در ضمن آن تمامیت ارضی، حفظ مردم، حفظ سرمایه و حفظ سامانه سیاسی و اقتصادی کشور امکان پذیر است (نک: مرادیان، ۱۳۸۸، ص ۱۷ - ۶۳)

۲. ایده آلیست ها

این مکتب با نگرش کانتی به انسان نگاه دارد، و او انسان را ذاتاً خیرخواه و نوع دوست دانسته و اساس حرکت انسان را بر مبنای حقوق و اخلاق در صحنه بین الملل می داند. آرمان گرایان اعتقاد دارند، تا دولت و مرز هست جنگ و ناامنی هم خواهد بود لذا، رقابت و ستیز بین المللی باید تبدیل به همکاری گردد تا برابند صلح و امنیت را به ارمغان آورد.

این دیدگاه متأثر از افکار کانت است که دید خوش بینانه از نسبت به ذات انسان دارد، کانت صلح ابدی و طرح آن را به عنوان هنجار اخلاقی که باید مورد تبعیت قرار گیرد، پیشنهاد می کند، اعتقاد وی بر این بود که نظام دولت های ملی و تفوق منافع ملی را می توان با یک نظام سیاسی مترقی و تابعیت جهانی تجدید سازند و نمود یک جامعه واحد بشری به وجود آورد. (نک: مرادیان، ۱۳۸۸: ۸۰-۸۱).

ایده آلیستها در ترسیم نظام مطلوب خویش جایگاهی برای مفهوم امنیت ملی قائل نیستند زیرا به عقیده آنان تا زمانی که مرزهای مصنوعی، ملت ها را به ناحق از یکدیگر جدا کرده، رهبران کشورها هنگام احساس خطر برای منافع فردی و گروهی یا برای جامه عمل پوشاندن به آرزوهای جاه طلبانه خود تحت لوای مفهوم مسمخ شده امنیت ملی ملت را در راستای تأمین خواسته های خود به خدمت می گیرند، انسانها در چارچوب مرزها هرگز نخواهند توانست از موهبت امنیت به معنای واقعی کلمه برخوردار شوند.. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۳)

در دیدگاه آرمان گرایی، دولت بازیگران صحنه بین الملل نیستند، به تعبیر دیگر آنچه واقعیت عینی دارد افراد جامعه بشری هستند این افراد با اینکه به وسیله مرزهای تصنعی از هم دیگر متمایز شده اند ولی مجموعه و واحدی را به یکدیگر پیوند می دهد. صلح خواهی، عقل مداری و تأکید بر اصالت عامه به جای قدرت از ویژگی های اساسی ایده آلیست ها به حساب می آید، عمده ترین مفاهیم محوری ایده آلیست ها عبارتند از: وجدان و افکار عمومی، رهبری خوب، تقدم آرزو بر اندیشه، کمال گرایی، هماهنگی منافع ملی واحدها حقوق و تکالیف قانونی و بین المللی. (همان، ص ۸۵-۸۶)..

۳. نظریه اسلامی امنیت

با نگاه به آموزه های دینی در باب امنیت می توان گفت که نظریه اسلامی امنیت هر چند نوپاست به دلیل اینکه هنوز به صورت شفاف ترسیم نگردیده است ولی با مرور در ابواب مختلف فقهی به روشنی می توان نگاه و نظر اسلام و فقه را درین خصوص استخراج کرد، مفاهیم همانند، حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسب، حفظ نسل و همانند آن در فقه به که بکار برده شده است؛ که بیانگر دیدگاه فقه اسلام در خصوص امنیت و مباحث امنیتی است.

در این تحقیق مروری اجمالی داریم به نظریات عمده امنیتی برای یافتن پاسخ اساسی به سؤالات اساسی ذیل: که عبارت اند از:

۱. مفهوم امنیت؛ ۲. ابعاد امنیت؛ ۳. سطوح امنیت؛ ۴. مرجع امنیت ۵. دوست و دشمن در مباحث امنیت، (خودی و غیرخودی) ۶. روش های تحصیل؛ ۷. راهکارهای استراتژیک امنیتی. که البته به مقارنه و مقایسه اجمالی نظرات امنیتی رئالیستی، نظرات امنیتی ایده آلیستی و نظرات امنیتی اسلام؛ مورد بررسی قرار می گیرد:

الف) مفهوم امنیت

امنیت از حیث لغوی برابر نهاد *Sewvity* و الامن و الامان است. در زبان فارسی به ایمن شدن «در امان بودن» و «بی بیومی» تعریف شده است. (معین، ۱۳۷۵، ص ۳۵۴). و در گذشته به همین سیاق در باره دستگاه های نظامی و انتظامی به کار برده می گردیده است. (معین، ۱۳۷۵: ۳۵۵). بر خلاف معنای لغوی، در سطح اصطلاحی، برای امنیت معنای اجماعی وجود ندارد و با یک بررسی اجمالی مشخص می شود که بیش از ۱۵۰ تعریف مختلف (از حیث معنی و بعضاً زبان شناختی) از امنیت ارائه شده است. (افتخاری، ۱۳۷۷، ص ۲۷ - ۶۰). از این رو باید این واقعیت را قبول کرد که کثرت تعاریف نیل به تصویر واحد از آن را با دشواری مواجه ساخته است به همین دلیل لازم است تا نسبت به ترکیب و تلفیق تعاریف مختلف و استنتاج اصول معنای و معرفت شناختی مشترک آنها اقدام کرد و تا بتوان از آن اصول و مبادی به عنوان حداقل های مشترک و اجماعی بین تحلیل گران امنیتی در مقام کاربرد تخصصی این واژه یاد نمود از این رو بعضی از

محققین. (نک، افتخاری، ۱۳۸۰، ص ۱۰-۱۸).

۱. واقع گرایان: تمام گرایش های واقع گرایی بر اصل بقا به عنوان به عنوان هدف برتر بازیگران، در نظام بین الملل تأکید دارند. آنان با طرح مفهوم بقا، امنیت را مترادف با آن می دانند. وبقا نیز به معنی امکان ادامه حیات دولت-کشور در نظام بین الملل در نظر گرفته می شود. (عبد الله خانی، ۱۳۸۹: ۲۳۰)

۲. ایده آلیست ها: در مجموع با توجه به الگوهای فکری متفاوت در لیبرالیسم، چهار راهکار امنیتی را می توان به دست آورد: راهکار های «نظم طبیعی ولسه فر امنیتی»، «صلح دموکراتیک»، «امنیت نهاد گرا» و «امنیت متکثر». (عبد الله خانی، ۱۳۸۲: ۹۷)

۳. فقه سیاسی اسلام: با نگاه به فقه سیاسی؛ در خصوص مفهوم امنیت، می توان آنرا به معنی بقای ابدی تفسیر نمود. چه اینکه صاحب جواهر به عنوان یک فقیه قابل قبول برای همگان این بحث را به صورت های مختلفی ارایه نموده است از جمله در بحث وجوب جهاد می فرماید «وکیف کان فلاخلاف بین المسلمین فی وجوبه فی الجملة بل هو كالضرورة خصوصاً بعد الامر به فی الكتاب العزیز فی آیات کثیره کقوله تعالی: یا ایها النبی جاهد الکفار والمنافقین (توبه: ۷۴) قاتلوا الذین لایؤمنون بالله (توبه/ ۲۹) فلیقاتل فی سبیل الله (نساء/ ۷۶) وقوله تعالی فاذا نسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا (توبه/ ۵) حرص المؤمنین علی القتال (انفال: ۶۶) الی غیر ذلک. (نجفی، ۱۳۷۴: ج ۲۱ ص ۸-۹) با در نظر داشت این که پایان این مقاتله ممکن است شهادت باشد از این رو، این فقط با بقای ابدی قابل تفسیر و توجیه است. و نیز در جای دیگر به آیات ذیل استناد می کند: ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعداعلیه حقافی التورات والانجیل والقران، ومن أوفی بعهده من الله فاستبشروا بیعکم الدی بایعتهم به وذلک هو الفوز العظیم» (همان: ص ۱۲) این فوز عظیمی که مورد استناد صاحب جواهر قرار دارد؛ چیزی نیست جز همان بقای ابدی. در بحث امر به معروف و نهی از منکر، به این ایه استناد می فرماید: ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر ویأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر واولیک هم المفلحون. (حج: ۴۲) فلاح همان رسیدن به سعادت اخروی و بقای ابدی است.

ب) ابعاد امنیت

۱. واقع گرایان: ابعاد امنیت در مکتب واقع گرایی مضیق است بدین معنی که آنان امنیت را، در مسایل نظامی منحصر می دانند. این دیدگاه هر چند امروزه منسوخ گردیده است ولی هر چه هست به نام واقع گرایان این نظریه شناخته شده است.

۲. لیبرالیست ها: امدار رویکرد امنیتی لیبرالیسم قدرت صرفا نظامی و سخت افزاری نیست بلکه افزون بر قدرت نظامی قدرت اقتصادی و تکنولوژی یک به مفهوم قدرت معنی می بخشد (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۱۴)

۳. فقه سیاسی: ابعاد امنیت در نگاه فقه اسلامی به صورت تعالی یافته (دنیوی و اخروی) لحاظ شده است در واقع نه مضیق است و موسع. و این بحث از جای جای فقه اسلامی قابل استخراج است. در بحث وجوب هجرت یکی از فقیهان می فرماید: «تجب الهجره عن بلاد الشرك علی من یضعف عن اظهار شعار الاسلام من الاذان والصلوات والصوم وغيرها» (نجفی ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۳۵) در ادامه به آیه شریفه استناد می کند: «والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا لیرزقنهم زرقا حسنا وان الله لهو خیر الرزقین» (حج/ ۵۷) و نیز آیه شریفه «والذین هاجروا من بعد ما ظلموا لنبونهم فی الدنیا حسنه ولا جر الاخره اکبر کانو یعلمون» (نحل: ۴۳-۴۴) اینکه می فرماید اجرا خروی آن بزرگتر است، اشاره به بعد معنوی آن دارد که رنج ها و مرارت های هجرت باید تحمل کرد زیرا این کار مربوط می شود به امنیت باطنی و معنوی. آیه دیگری که بدان تمسک کرده است آیه شریفه «ومن یخرج من بیته مهاجرا الی الله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله» (نساء/ ۱۰۱) و نیز استناد می کند به روایت نبوی که از پیامبر اکرم (ص) این گونه روایت شده است «من فرّ بدینه من ارض الی ارض وان کان بشیر من الارض استوجب الجنّه وکان رفیق ابیه ابراهیم ونبیه محمد (ص) نیز در بحث دعوت به این روایت شریفه استناد می کند: که امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر اکرم روایت می فرماید که حضرت فرمود: «بعثنی رسول الله صلی الله علیه و آله الی الیمن فقال: یا علی لا تقاتلنّ احدا حتی تدعوه وایم الله لان یرهدی الله علی یدیک رجلا خیر لک مما طلعت علیه الشمس وغربت ولك ولاؤه یا علی» این بدلیل این است که هدایت و تضمین معنوی یک انسان در نزد پیامبر اکرم (ص) فراتر از آن چیزی است که خورشید بدان طلوع

و غروب می کند. و این همان بعد تعالی یافته امنیت است. این همان نکته است که استامحترم دکتر لکزایی از آن به بعد تعالی یافته یاد کرده است. که بسیار فراتر از ابعادی است که در مکاتب دیگر از آنها یاد شده است که اصطلاحاً امنیت موسع یا مضیق خوانده می شود.

ج) سطوح امنیت

رویکرد کینهاک به سطح بندی امنیت در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی است.

۱. امنیت جهانی: در سطح امنیت جهانی تحلیل عملکرد و سیاست قدرت‌های بزرگ مورد نظر است. طرفداران امنیت جهانی بیشتر گرایش و تفکر آرمانی‌گرایی (ایده‌آلیست) دارند این گروه از متفکران «نظر به حکمرانی جهانی» می‌کنند اینان به عمق معضلات اقتصادی اجتماعی منذلت اجتماعی محیطی توجه داشته‌اند و در صدد اند که از فرصت‌های پیش آمده پس از جنگ سرد، استفاده نموده و با تشویق همکاری‌های نهاد بسته شده بین‌المللی به دیده دیپلماسی سازمان ملل و توانمندی سیاسی سازمان‌های غیر بین‌المللی غیر دولتی، از قدرت و بی‌طرفی نهاد‌های سنتی روابط بین‌الملل مانند نهاد دولت و مرزهای جغرافیایی بکاهد و در مقابل مکانیسم‌های خطی و حرفه‌ای جدید برای مواجهه با معضلات بین‌المللی عرضه کنند. (مجله سیاست دفاع، ۱۳۷۹، شماره ۳، ص ۱۴۶)

۲. امنیت بین‌الملل: در رویکرد امنیت بین‌الملل، امنیت در اتحاد با سایر کشورها و حضور پیمان‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی، به دست می‌آید. در جهان امروز، اتحاد‌های منطقه‌ای سیاسی ایدئولوژیک امری مرسوم بوده و از کارایی قابل قبولی برخوردارند بر این اساس این راهبردها، تهدید علیه کشور، تهدید علیه اتحادیه محسوب می‌شود.

۳. امنیت ملی: در رویکرد امنیت ملی، به منظور تأمین امنیت بیشتر به عناصر قدرت خودی، توانایی‌ها و امکانات داخلی توجه می‌شود، این رویکرد «حفظ محور» بوده و بر قطع وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی برای کاهش آسیب پذیری از بیگانگان تأکید می‌کند، خودکفایی و کفایت ملی محورهای اصلی این رویکرد می‌باشند. (مرادیان ۱۳۸۸، ص ۱۴)

با نگاه به فقه سیاسی، در سطح امنیت، شامل جسم، نفس و روح انسان می‌گردد. به

عبارت دیگر امنیت ظاهری و امنیت باطنی را اسلام مد نظر قرار داده است. صاحب جواهر، در مقام اشاره به سطح امنیت، بین امنیت ظاهری و باطنی با استناد به روایات ایمه اطهار و آیات قرآن کریم به جنبه جسمی و روحی و روانی آن اشاره دارد: می فرماید در ابتدای قتال مستحب است دعاهای مأثور را، خواند همانند این دعای که از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است و خود حضرت نیز این دعا را می خواند: « اللهم انک اعلمتنا سیلا من سبلک جعلت فیه رضاک و نذبت الیه اولیاءک و جعلته أشرف سبلک عندک ثوابا و اکرمها لیدک مابا و احبها الیک مسلکا، ثم اشتریت له من المؤمنین انفسهم و امولهم بان لهم الجنة، یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون و عدا علیک حقا فاجعلنی ممن اشتری فیه منک نفسه... در این دعای نورانی حضرت به امنیت روحی و روانی بیشتر توجه نموده است. چه اینکه ممکن است در این قتال شهادت نصیب انسان گردد اما چون رضایت خداوند متعال مورد نظر است و امنیت روانی و روحی انسان تضمین شده است لذا این دعا را از خداوند متعال دارد. رادامه دعا دارد: « اللهم و اعوذ بک عند ذالک من الجبن عند موارد الاهیال و من الضعف عند مساویر الابطال و من الذنب المحبط للاعمال فاحکمک او امضی بغیر یقین فیکون سعیی فی تباب و عملی غیر مقبول» در این فراز از دعا باز هم اشاره به امنیت روحی و روانی فرد مجاهد دارد چه اینکه جبن و ضعف و گناه که فرد مجاهد از آنها به خداوند باید پناه ببرد کاستی های روحی و روانی است که ضد امنیت است ولی فرد با خواندن دعا و درخواست از خداوند در صدد تأمین امنیت روانی خویش است. (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۵۴-۵۵) در جای دیگر باز هم به این بعد از امنیت اشاره دارد: درباره حرمت فرار از جهاد می فرماید: « و النصوص المستفیضه او المتواتره الداله علی حرمة الفرار من الزحف و انه من الکبائر و بناء الجهاد علی التفریر بالنفس الذی فی الحقیقه هو حیاة ابدیه عند الله تعالی لقوله تعالی ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون: روایات مستفیضه و یا متواتر وجود دارد که فرار از جهاد را گناه کبیره شمرده در حالی که بنای جهاد بر ضرر نفسانی است که البته همان خود حیات ابدی نزد خداوند متعال است به دلیل قول خداوند که می فرماید: و گمان نکنید کسانی که در را خدا کشته شده اند؛ مردگانند بلکه آنان زندگانند که در نزد خداوند روزی می خورند. (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۶۱-۶۲)

د) مرجع امنیت

تعیین مرجع امنیت یک سؤال اساسی برای درک مفهوم امنیت است. «بدون شک امنیت به عنوان یک مفهوم به هدفی نیاز دارد که بدان استناد نماید و این مفهوم بدون پاسخ به سؤال امنیت برای چه، هیچ معنای ندارد.» (بوزان ۱۳۷۸: ۱۹۱-۲۰۵) در این باره نیز، رویکرد های نظری بسیار متفاوت است چه اینکه در پاسخ اینکه امنیت برای چه و اینکه موضوع سیاست های امنیت چه کسانی هستند هر کدام از صاحبان نظراقدام به تبیین و تعیین مرجعی نموده اند. (ربیعی ۱۳۸۴: ۱۱۶).

یک: مرجع امنیت در نگاه سایر مکاتب

در این بحث نیز ابتدا باید دید که مکاتب امنیتی دیگر در خصوص مرجع امنیت چه نوع نگاهی دارد؛ و آنگاه، نگاه و نظر فقه سیاسی اسلام را مورد توجه قرار داده و با مقایسه و مقارنه تفاوت دیدگاه ها نیز به خوبی مشخص می گردد.

۱. دولت گرایان: نظریه پردازان واقع گرا دولت را به مرجع محوری مشخص نموده اند. از آنجا که سنت گرایان، با تأکید بر نقش بی بدیل دولت در مهندسی سیاسی و اجتماعی موجبات وقوع جنگ های جهانی و شعله ور شدن اختلافات بین المللی را فراهم آورده بودند. مکتب کپنهاک (نواقح گرایان) بر آن شد تا با رایه تفسیری جدید از منابع، وسایل و اهداف تهدیدات بین المللی؛ مانع تکرار جنگ شود. بنیادی ترین تفسیر تشکیل دهنده هویت مذکور، تعیین مرجع امنیت بود. مکتب کپنهاک باید جواب می داد که آیا دولت ها همچنان مرجع امنیت - ناامنی هستند یا اینکه جهان جدید شاهد ظهور مرجع یا مراجع نوین امنیت زایی یا امنیت زدایی می باشد؟

بندک مشکل بوزان را این می داند که ساخت دولت - ملت را قطعی می پندارد و حال آنکه امکان وجود اشکال دیگری از تجمع انسانی وجود دارد که در آنها دولت فعال مایشاء نیست. (رک: افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۶) بنابراین در باب مرجع امنیت به عنوان بنیادی ترین مبحث مطرح در مکاتب امنیت پژوهی، از جمله مکتب کپنهاک دولت به عنوان پاسدار امنیت میلی و مهم ترین عامل امنیت ساز باقی می ماند و مؤلفه های دیگر همانند گروه های داخلی هنجارهای بین المللی

حکم مکمل دولت را ایفا می کنند. (نصری ۱۳۸۱: ۳۹-۴۱)

۲. رژیم گرایان: رویکرد دیگری در این مورد به نیکوبال اختصاص دارد. که نه از دولت بلکه از رژیم حاکم به عنوان مرجع امنیت یاد میکند. به نظر ایشان سیاست دولتی عده از دولت های جهان سوم به طور واضح، ایمن نگاه داشتن مردم، نیست بلکه محافظت زور مدارانه از امنیت نخبگان مدنظر است. در ابیات این نحله از متفکران رژیم امنیتی به گونه تعریف می شود که هدف از آن « صیانت از حکومت » است و نه « از شهروندان ». (ربیعی ۱۳۸۴: ۱۲۱). در این گونه کشورها، میان امنیت برای رژیم، حکام و جامعه تفاوت وجود دارد و معمولاً امنیت برای حکام به عنوان امنیت ملی تلقی میشود. بوزان اعتقاد دارد « که مسأله امنیت ملی در همه آنچه گفته شد، این است که حکومتها به سادگی می توانند از ارتباط این امنیت، برای افزایش قدرت کنترل بر سیاست های داخلی بهره گیرند. بر این اساس است که حکومتها از طریق وارد کردن مسأله امنیت ملی به محیط داخلی، می توانند قدرت علیه مخالفان خود را افزایش دهند. وظیفه اصلی امنیت سیاسی توجیه استفاده از زور است. » (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۱۱۱)

۳. جامعه گرایان: نظریه پردازان این رویکرد، به صورت بینابین، امنیت فرد، دولت و جامعه را مد نظر قرار داده اند. از وضعیت این دیدگاه بوث است. جامعه گرایان اصول امنیت ملی را مبتنی بر ایجاد رضایت عمومی، تأمین عدالت اجتماعی، رفاه و بر آوردن نیاز مندی های جامعه میدانند. (ربیعی، ۱۳۸۴: صص ۱۲۲-۱۲۳)

۴. جهان گرایان: از واضعین این نظریه کلودزیچ است که مرجع امنیت را در ورای دولت جستجو می کند و اعتقاد دارد که سیاست امنیتی را می توان چنان تصویر کرد که تلاش گروه ها و دولت ها برای تأثیر گذاری و تعیین ساختار سیستم کلی امنیت ملی در گستره جهانی و تأسیس یک سیستم امنیتی بین المللی را شامل شود (همان، ۱۲۳)

دو: مرجع امنیت در نگاه فقه سیاسی اسلام

بر اساس فقه جواهری مرجع امنیت خود «اسلام» است. به دلیل اینکه با اهمیت تراز وجود

پیامبر و امام در این عالم وجود ندارد؛ در حالی که آنان خود فدایی اسلام می گشتند. پیامبر اکرم (ص) شخصا خود در جنگها شرکت می کردند. همان سان که امیر المؤمنین (ع) نیز در جنگها شرکت فوق العاده فعالی داشتند. سیره امام حسن ع و امام حسین ع نیز همین بوده است. شهادت امام حسین ع در کربلا دقیقا بر اساس همین معیار است که جان خودش را قربانی اسلام نمودند. برای توضیح این مطلب باید گفت: اصولا جنگ در اسلام برای رضای خداوند و حاکمیت دین خداوند است. و جهاد باید فی سبیل الله، باشد. «فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیات الدنیا علی الاخره». آنهاکه زندگی این جهان را با زندگی جاودانه آخرت حاضر به مبادله هستند، در راه خدا بجنگند. (نساء ۷۴) «اتّما المؤمنون الذین آمنوا بالله ورسوله ثمّ لم یرتابوا وجاهدوا باموالهم وانفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون». مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسول خدا ایمان آورده ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا علیه حقافی التورات والانجیل وقران، ومن أوفی بعهده من الله فاستبشروا بیعکم الذی بایعتم به وذلک هو الفوز العظیم» خداوند از مؤمنان جان ها و اموال شان را می خرد. مؤمنانی که در راه خدا و اعتلای کلمه توحید و رسالت خدایی، مقاتله می کنند. (توبه/۱۱۱)

صاحب جواهر نیز، در موارد مختلف در کتاب جهاد به این معنی اشاره دارد. از جمله در تعریف جهاد، دارد: من الجهد... او بذل النفس و المال و الوسع، فی اعلا کلمه الاسلام و اقامه شعایر الایمان. (نجفی، ۱۳۷۴: ج ۲۱ ص ۳) در مورد احکام اهل ذمه به این آیه شریفه استناد می کند: «قاتلوا الذین لایؤمنون بالله ولا بالیوم الاخر ولا یحرمون ما حرّم الله ورسوله» (توبه ۲۹) باید با کسانی که پای بند به اسلام و آموزه های دینی نیستند قتال کنید. یعنی مرجع امنیت اسلام و آموزه های دینی است. و نیز در بحث اینکه آیا جهاد، در زیر لوای حاکم جایز است و یا نه؛ می فرماید: «نعم لو اراد الکفار محو الاسلام و درس شعایره و عدم ذکر محمد (ص) و شریعتش فلا اشکال فی وجوب الجهاد حیثینذ ولومع الجایز لکن، بقصد الدفع، لاعانه، للسطان، الجور» (نجفی، ۱۳۷۴: ج ۲۱ ۴۷) یعنی اسلام به عنوان مرجع امنیت این قدر اهمیت دارد که حتی در زیر لوای حاکم جور نیز باید از آن دفاع کرد. در بحث دعوت قبل از جنگ می فرماید: وکیف کان فلا یبدؤون

الكفار الحريون بالقتال مع عدم بلوغالدعوه اليهم الا بعد الدعاء الى محاسن الاسلام. (همان: ۵۱)
اصلا هدف از جهاد دعوت به اسلام است. و اسلام در تمام مراحل جهاد محوریت دارد. در ادامه می فرماید: مستحب است خواندن این دعا قبل از قتال: «اللهم انك اعلمتنا سيلا من سبلك جعلت فيه رضاك وندبت اليه اولياءك وجعلته أشرف سبلك عندك ثوابا واکرمها ليدك مابا و احبها اليك مسلکا، ثم اشتریت له من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة، يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون و عدا عليك حقا فاجعلني ممن اشترى فيه منك نفسه... بل استحبابا لمحبتك و تقربا اليك. (وسایل باب ۵۵ از ابواب جهاد، حدیث ۱) از این دعای نورانی به خوبی بدست میاید که هدف از جهاد و مقاتله در اسلام، کسب رضایت خداوند، حاکمت اسلام، و حرکت در مسیر خداوند است.

ه) روش تحصیل امنیت

۱. واقع گرایان به دلیل اینکه در بحث ابعاد امنیت، مضیق می اندیشند و قدرت را در امور نظامی منحصر می دانند؛ روش تحصیل امنیت را نیز منحصر در «زور» و «قدرت» می دانند. آنان روش تحصیل امنیت را در این می دانند که توان نظامی خود را هر چه بیشتر باید تقویت کرد. از نظر واقع گرایان روابط بین الملل هر چند صحنه جنگ دائمی نیست، ولی احتمال وقوع جنگ و رقابت امنیتی بی رحمانه در آن وجود دارد. از نظر واقع گرایان صلح اصیل یعنی جهانی که در آن کشورها بدون رقابت بر سر قدرت باشد؛ امکان پذیر نیست.

۲. مفروضات امنیتی لیبرالستی: همان گونه که رمز عبور در نظم رئالستی، «امنیت» است؛ در نظم لیبرالیستی، آزادی است. مبانی مطالعات لیبرالیست ها بر صلح متکی است. علی رغم اینکه لیبرالیست ها مانند رئالیست ها بر هرج و مرج گونه بودن نظام بین الملل، تأکید دارند؛ جنگ را، واقعیت اجتناب ناپذیر این نظام نمی دانند و علیه آن این گونه استدلال می کند: «پیامد های انکار ناپذیر جنگ همواره برنده میدان جنگ را تهدید می کند» ازین رو، پیروزی همواره دو معنی دارد: «ایمینی بیشتر فعلی» و «تهدید و ناامنی آتی» رک: عبدالله خانی ۱۳۸۹: ۲۳۹

۳. روش تحصیل امنیت در براساس آموزه فقه سیاسی اسلام

در نگاه فقه سیاسی اسلام، م توان گفت که روش تحصیل امنیت «ایمان + پرهیز از ظلم» است. الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن وهم مهتدون (انعام/۸۲) تحصیل امنیت، در اسلام ابعادی زیادی دارد: همانند روش تحصیل امنیت سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، محیط زیست و... از جمله امور ذیل را می توان از متون فقهی بدست آورد:

یک: دعوت؛ صاحب جواهر، در این باره می فرماید: «وکیف کان فلا یدوون الکفار الحربیون بالقتال مع عدم بلوغ الدعوه الی محاسن الاسلام وهی الشهادتان وما یتبعهما من الاصول الدین وامتاعهم عن ذالک.» با کفار حربی شروع به جنگ نمی شود مگر بعد از دعوت آنان به محاسن اسلام و شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر عظیم الشأن اسلام. (نجفی، ۱۳۷۴: ج ۲۱ ص ۵۱) در ادامه روایتی را امیرالمؤمنین ع نیز نقل می کند که حضرت فرمود: «بعثنی رسول الله صلی الله علیه وآله الی الیمن فقال: لا تقاتلن احدا حتی تدعوه وایم الله لان یهدی الله علی یدیک رجلا خیر لک ممّا طلعت علیه الشمس وغربت ولک ولاءه یا علی» پیامبر اکرم (ص) هنگامی که مرا به سوی یمن فرستاد فرمود: قسم به خدا، اگر یک نفر را، خداوند به دست شما هدایت کند بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می کند. (وسایل، باب ۱۰ از ابواب جهاد)

دو: احسان به دشمن: یکی از جالب ترین اصول و قواعد دین مبین اسلام این است که حتی احسان به دشمن را نیز مورد تأکید قرار داده است. «واحسنوا ان الله یحب المحسنین» (بقره ایه ۱۹۵) امر به احسان در این آیه اطلاق دارد حتی شامل کفار نیز با شرایط ویژه می گردد. «لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم وتقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین.» (ممتحنه/۸) در این آیه شریفه، می فرماید اگر دشمن دوماشکل اساسی را نداشته باشد بدین معنی که شما را از منازلتان اخراج نکرده باشند؛ و در دین نیز با شما مقاتله نکرده باشند؛ با وجود این دو شرط خداوند شما را نهی نمی کند که نسبت به آنان احسان نمایید. و عدالت را نیز در باره آنان رعایت نمایید که خداوند عدالت و رزان را دوست دارد. بالاترین مظهر احسان به دشمن دعوت و فراخوانی او به هدایت و راه و رسم درست زندگی است که در آغاز جنگ توسط رزمندگان اسلام انجام می پذیرد. بی گمان احسان به دشمن منحصر به معنی ایجاد تسهیلات مادی نیست، هر نوع احترام و رعایت شئون انسانی نسبت به دشمن، بخشی

از موارد احسان به دشمن محسوب می‌گردد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۴۸) که این دستور خدوند متعال است: «ان الله يأمر بالعدل والاحسان» (نحل / ۹۰) درحقیقت، احسان به دشمن شامل رعایت حقوق اسیران جنگی، حمایت از مجروحان، و منع از کشتار کودکان، زنان، سالخورده‌گان و نظایر آنهاست. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۴۸) بخشی از احسان فرصت دادن به دشمن برای انتخاب صحیح است. چنانکه قرآن می‌فرماید: «وان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه ما منه ذالك بانهم قوم لا يعلمون.» اگر دشمن از شما فرصت (امان) خواستند این فرصت را به آنان بدهید سپس آنان به مأمّن شان برگردانید! (توبه/ ۶) وان جنحو للسلّم فاجنح لها وتوكل على الله انه هو السميع العليم. «...فَإِنْ اعْتَرَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَآلَقُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا».

سه) تألیف قلوب: فقهای اسلام از جمله موارد مصرف زکات را تألیف قلوب دانسته‌اند. بدین معنی که با شرایط ویژه می‌توان کفار را، از آن بهره‌مند ساخت و این کار، در تأمین امنیت بسیار مؤثر است. واژه سیاسی فقهی «مؤلفه قلوبهم» که در آیه مربوط به مصارف زکوه در قرآن مجید آمده است؛ دارای مفهوم سیاسی و نظامی و حاوی نوعی پشتیبانی امنیتی و نظامی است دولت اسلامی است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵ ج ۶: ۸۶)

چهار) رعایت اصل عدالت: قرآن مجید می‌فرماید «ولا یجرمنکم شنآن قوم علی الاتعدلوا عدلوا هو اقرب للتقوی.» دشمنی گروهی نباید شمارا در مسیر بی‌عدالتی قرار دهد. عدالت پیشه کنید که به راه تقوی نزدیکتر است. (ماید/ ۸)

پنج) روش باز دارندگی: «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۵)

: (اما) وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید؛ و آنها را اسیر سازید؛ و محاصره کنید؛ و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید! هرگاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. «وَاعْدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوا اللَّهَ وَعَدُوكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ

اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» (الأنفال: ۶۰) هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد! و هرچه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) اتفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می شود، و به شما ستم نخواهد شد! "جصاص" از مفسران اهل سنت، در احکام القرآن ذیل این آیه تأکید می نماید که منظور از امر به اعداد قوه در این آیه شریفه، دستور به تهیه سلاح و ابزار جنگی مانند تیر کمان و مانند آن است، که بایستی پیش از مواجهه با هر جنگی برای ترساندن دشمن، نزد مسلمانان فراهم و آماده باشد و قوله تعالی وأعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل أمر الله تعالى المؤمنين في هذه الآية بإعداد السلاح والكراع لوقت القتال اربابا للعدو والتقدم في ارتباط الخيل استعدادا لقتال المشركين وقد روى في القوة إنها الرمي» (جصاص، ۱۴۰۵: ۲۵۲/۴) چنانکه ملاحظه می شود این گونه برداشت از این آیه، دقیقا مفهوم بازدارندگی با قدرت سخت و لزوم مسلح شدن با همه جنگ افزارهای نظامی متداول در هر عصری را جهت بازدارندگی به روش تهدید و تحذیر در هر زمانی به اثبات می رساند. به خصوص اینکه ایشان به عموم لفظ قوه نیز تمسک جسته و بر اساس آن عموم امر به هر آن چیزی که موجب چیرگی و نیرومندی بر دشمن شود را به اطلاق لفظ و کمک برخی روایات در این خصوص استنباط نموده است. «بل عموم اللفظ الشامل لجميع ما استطعنا به على العدو ومن سائر أنواع السلاح وآلات الحرب. وهذا يدل على أن جميع ما يقوى على العدو فهو مأمور باستعداده» (جصاص، ۱۴۰۵: ۲۵۳/۴) جرجانی "نیز ذیل آیه ۶۰ سوره انفال، در احکام القرآن تصریح دارد، که «مراد از قوت، چیز یستکه قادر شوند به او برکاری مثلا لاتحرب و غیر آن» (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۸۱/۲) در حاشیه این سخن، محقق این اثر جناب "میرزا ولی الله اشراقی سرابی" با اشاره به نکته جالبی پیرامون این آیه توضیح میدهد که «از کلامه (فراز) «مَا اسْتَطَعْتُمْ، مِنْ قُوَّةٍ» استفاده می شود که تهیه وسائل جنگ از آلات حرب لازم است خصوصیت به وسائل دون وسائلی ندارد زیرا به مرور زمان وسائل جنگ تفاوت می کند و قوه بر جنگ با خصم در این زمان میسر نمی شود با وسائل نهفته پس در هر روز تحصیل قوه باید کرد بقدر استطاعت از این

سبب لفظ «مَا سَتَّعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» فرمود تا اینکه شامل با شد در هر دوره به و سائل آن زمان چونکه اگر با اسم سلاح آن زمان تعبیر می فرمود هر آینه شامل نبود به وسایل امروزه. (همان)

در تفسیر نمونه نیز ضمن اشاره به هدف بازدارندگی از این دستور، به این نکته مهم تصریح شده است که هدف از این آمادگی به سلاح های هر زمان به راه انداختن جنگ و زورگویی نیست بلکه از این فراز آیه که می فرماید: « تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ » هدف این آمادگی دفاعی نیز مشخص شده است و آن اینکه هدف منطقی و انسانی این موضوع این است که «با این و سایل دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.» (بازدارندگی با روش تهدید یا امتناع و تحذیر) به خصوص اینکه در این تفسیر با استناد به فراز «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» تأکید شده است که مفهوم این در هر زمانی قابلیت اجرا و تازگی داشته و مفهوم زنده ای داشته و دارد. « زیرا هر سلاح و قدرتی در آینده نیز پیدا شود در کلمه جامع "قوة" نهفته است چون جمله "ما استطعتم" عام و کلمه "قوة" که به صورت "نکره" آمده است عمومیت آن را تقویت کرده و هرگونه نیرویی را شامل می شود.» (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/ ۲۲۴ - ۲۲۵)

صاحب نظران در این رابطه می گوید اصولاً چهار نوع جهاد که در اسلام داریم؛ برای تحصیل امنیت است: ۱. امنیت نظامی (جهاد اصغر) ۲. امنیت فردی (جهاد اکبر) ۳. امنیت فرهنگی (جهاد کبیر)

۴. امنیت سیاسی (جهاد افضل)

الف) امنیت نظامی: از آنجاکه جهاد امر مقدس و در راه خداوند است؛ خونریزی و ویرانگری هدف نیست و لذا باید در آن به حداقل و به مقدار ضرورت اکتفا شود و از تخریب و اتلاف اموال و منهدم کردن ابنیه باید اجتناب کرد مگر اینکه ضرورت اقتضا داشته باشد. و دشمن از این وسایل به عنوان ابزار دفاعی استفاده نماید. (رک: نجفی ۱۳۸۵، ج ۲۱ ک ۶۵) قرآن مجید می فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲). و نیز آیه شریفه «إِذَا تَوَلَّى سَعْيٍ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره/ ۲۰۵) که طغیان گری را محکوم نموده است. و بادر نظر داشت آیه شریفه «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي

حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (انعام/ ۱۵۱). واطلاق: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره/ ۱۹۴) که مقابله به مثل و جنبه باز دارندگی را برای هرکسی مشروع دانسته است. و نیز روایاتی که از ائمه (ع) به خصوص از رسول خدا (ص) و علی (ع) در مورد نهی جنگجویان مسلمان از کشتن افراد غیر نظامی، تخریب خانه ها، مزارع و کشتن حیوانات و... رسیده است. اطلاق فرمایش امیرالمؤمنین (ع) «واشعر قلب الرحمة للرعية... و لا تكون عليهم سبعا ضارباً تغتتم اكلهم فانهم صنفان، اما اخ لك في الدين او نظير لك في الخلق» (سیدر ضی، ۱۴۱۵: ۵۳). نیز اطلاق و عموم بسیاری از روایات دیگر بر احترام جان، مال انسانها، بلکه احترام جان هر صاحب روحی حتی روح نباتی در حیوانات و گیاهان دلالت دارد.

بر اساس عموم و اطلاق این آیات و روایات نتیجه می گیریم اصل اولی حرمت تجاوز و تعدی و کشتن و اذیت و آزار دیگران حتی غیر مسلمان است. از این اطلاق و عموم، موارد خاص با تخصیص و تقیید خارج شده است. اگر در موردی شك داشته باشیم که با تخصیص و یا تقیید خارج شده، مثلاً شك کنیم استفاده از سلاحهای کشتار جمعی در جنگ جایز است یا نه، مرجع عموم و اطلاق ادله اولیه است توجه به بعضی از اصول جنگی ذیل نیز همین مطلب را بیان می کند: ۱. منع اقدام به جنگ به قصد انتقام جویی و خونریزی؛ ۲. منع آغاز به جنگ بدون دعوت به حق و اتمام حجت؛ ۳. منع مثله کردن کشته های دشمن؛ ۴. منع نقض عهد و پیمانهای جنگی؛ ۵. منع کندن و سوزاندن درختان و مزارع؛ ۶. منع اسارت پیش از اتمام حجت و دعوت به حق؛ ۷. منع کشتن سربازان دشمن، با امکان اسیر کردن آنان؛ ۸. منع کشتن و یا پی کردن حیوانات؛ ۹. منع جنگ پس از قبول اسلام؛ ۱۰. منع جنگ با اهل کتاب درحالی که آمادگی انعقاد قرارداد ذمه را دارند؛ ۱۱. منع ادله جنگ، با پیشنهاد صلح از طرف دشمن؛ ۱۲. منع تخریب ساختمانها و ویرانگری آبادیها؛ ۱۳. منع بستن آب بر روی دشمن؛ ۱۴. منع کشتن سربازان دشمن که در حال فرار هستند؛ ۱۵. منع کشتن غیر نظامیان از قبیل کودکان، زنان، پیران، رهبانان، پرستاران، مجروحان، بیماران پیغام رسانان و همانند آنها؛ ۱۶. نهی از کشتن افرادی از سربازان که با اجبار در جنگ شرکت کرده اند؛ ۱۷. نهی از کشتن کسانی که در جنگ اجبر شده اند؛ ۱۸. نهی از شرکت

دادن اطفال در جنگ؛ ۱۹. منع از جنگهای کور وبدون نشانه؛ ۲۰. منع از به کار گیری افراد ناتوان در جنگ.

هريك از اصول پيش گفته كه برگرفته از آیات قران مجيد وروایات وسيره عملي رسول خدا (ص) وائمه اطهار (ع) در میدان جنگ است، مي تواند در جهت تبیین مباني فقهی دكترین جنگ اسلام، باشد. اصولا براساس مبانی دینی نمی توان برای رسیدن به هدف از هر وسیله و ابزار استفاده كرد، بلکه شیوه و ابزارهای مورد استفاده اسلام، نیز در راستای ارزش های متعالی اسلام تجویز می گردد، بنابراین برخی رفتار و اعمال در جنگ ممنوع گردیده و برای بازدارندگی نمی تواند تجویز كرد، بلکه اسلام قواعد را وضع نموده كه باید آن را رعایت كرد، پیامبر اسلام محدودیت های جنگی را برای اسامه بیان می كند: «لا تخونوا و لا تغدروا و لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تقتلوا طفلا و لا شیخا كبيرا و لا امرأة، و لا تعقروا نخلا و تحرقوه، و لا تقطعوا شجرة مثمرة، و لا تذبحوا شاة و لا بقرة و لا بعیرا» (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵: ۳۳۵). عن ابی عبدالله (ع) قال: إن النبی (ص) كان اذا بعث امیرا له علی سربہ امره بتقوی الله عزوجل فی خاصه نفسه ثم فی اصحابه عامه ثم یقول: اغز بسم الله و فی سبیل الله، قاتلوا من كفر بالله، لا تغدروا و لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تقتلوا ولیدا و لا متبتلا فی شاهر، و لا تحرقوا النخل، و لا تغرقوه بالماء، و لا تقطعوا شجره مثمره، و لا تحرقوا زرعاً. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، حدیث ۳، ص ۴۳ و ۴۴). از مجموع آیات وروایات نتیجه می گیریم كه جنگ در اسلام، بیشتر جنبه باز دارندگی دارد. ولذا باید به اندازه ضرورت بدان اكتفا بشود. و باید در جنگ نیز قوانین وقواعد جنگی را رعایت كرد (رك: نجفی - جواهرالكلام - ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۶۵-۱۴۶)

۷. راهکارهای استراتژیک امنیتی

جهت گیری های کلان و استراتژیک دردكترین امنیتی كشورها را مي توان در سه قالب تقسیم بندی كرد: الف) حفظ وضع موجود - تغییر وضع موجود. ب) تهدید - آسیب پذیری. ج) دفاع - جنگ - صلح. برا ساس آموزه های فقه سیاسی اسلام، راهکارا ستراتژیک دینی «تغییر وضع موجود» است واین تغییر وضع موجود، همواره ادامه دارد تا منجر به یک تغییر بنیادین و اساسی گردد. عصر ظهور مهدی موعود (عج) وتشکیل حكومت جهانی كه بدست با كفایت

حضرتش (عج) والبتة با ارداه لایزال الهی صورت می گیرد یک تغییر بنیادین را به دنبال دارد و این تغییر آنقدر گسترده؛ اساسی، عمیق و همه جانبه است که برای بسیار از افراد بشر، به ویژه آنان که از آموزه های وحیانی فاصله دارند؛ درک و تصور این تغییر و تحول ژرف؛ برای آنان غیر ممکن است. اما برای کسانی پای بند به آموزه وحیانی است، تغییر وضع موجود، در جای جای آموه های دینی، و فقهی قابل مشاهده است: چنانکه در بحث هجرت از بلاد شرک، امر به معروف و نهی از منکر، دعوت، و جوب اصل جهاد در شکل های مختلف بیانگر تغییر وضع موجود است. صاحب جواهر در بحث و جوب هجرت از بلاد شرک دارد «تجب الهجرة عن بلاد الشرك علی من یضعف عن اظهار شعار الاسلام من الاذان والصلوات والصوم وغيرها» (نجفی ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۳۵) بدین معنی وقتی مسلمانانی احساس کند درین شرایط امکان عمل به دستورات دینی برایش فراهم نیست، باید وضع موجود را با هجرت از بلاد شرک، تغییر دهد. و به سرمینی اسکان یابد که عمل به آموزه های دینی برایش فراهم باشد. در ادامه به آیه شریفه ذیل استناد می کند: «والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا لیرزقنهم الله زرقا حسنا وان الله لهو خیر الرزقین» (حج: ۵۸) و نیز آیه شریفه «والذین هاجروا من بعد ما ظلموا لنبوئتهم فی الدنیا حسنه ولاجر الاخره اکبر کانو یعلمون» (نحل: ۴۳-۴۴) و آیه شریفه «ومن یرج من بیته مهاجرا الی الله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله» (نساء: ۱۰۱) این وعده الهی مبنی بر رزق نیکو، برای تشویق و ترغیب تغییر وضع موجود است. در ادامه صاحب جواهر (ره) استناد می کند به روایت نبوی که از پیامبر اکرم (ص) این گونه روایت شده است «من فرّ بدینه من ارض الی ارض وان کان بشبر من الارض استوجب الجنّه وکان رفیق ابیه ابراهیم ونبیه محمّد (ص). نکته جالب توجه، در این روایت این است پیامبر اکرم (ص) در جهت تغییر وضع موجود و تغییر شرایط نابسامان اجتماعی و فرهنگی، می فرماید: به اندازه توان همواره باید در جهت تغییر وضع موجود تلاش کرد. اینکه می فرماید «وان کان بشبر من الارض» بیان این نکته است که همواره به قدر امکان در این فرایند، فرصت را نباید از دست داد. چنانکه صاحب جواهر می فرماید: «الهجرة باقیه مادام الکفر باقی» (جواهر الکلام، نجفی، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۳۴)

جمع بندی نهایی

در خصوص امنیت و پرسش‌های اساسی آن مکاتب گوناگون تلاش کرده اند تا جواب‌های لازم را ارائه دهند. فقه سیاسی اسلام ظرفیت فراوانی دارد که می‌تواند پاسخ‌های جدی را در خصوص پرسش‌های پیش‌گفته ارائه نماید. پاسخ‌های که از سوی فقه سیاسی اسلام بدست می‌آید به مراتب ژرفتر و جامع‌تر از پاسخ‌های است که از سوی سایر مکاتب ارائه شده است. در فقه سیاسی اسلام مفهوم «امنیت» به صورت بسیط و ساده. به «بقا» تفسیر شده است. بدین معنی که شئی در بقا خود با تهدیدی مواجه نباشد. براساس آموزه‌های دینی بقا، منحصر در موردنیوی نبوده بلکه امور اخروی را هم شامل است. براین اساس است که در فقه و شریعت اسلامی، بحث حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسب، حفظ ناموس، حفظ مال و غیره آمده است و حفظ همان «بقا» است.

درنگاه فقه سیاسی، ابعاد امنیت؛ به صورت تعالی یافته تفسیر گردیده است که شامل بعد مادی و معنوی و دنیوی و اخروی می‌گردد. در فقه سیاسی اسلام ابعاد امنیت بسیار وسیع است و شامل ابعاد فردی، اجتماعی، گردیده و تمامی ابعاد نظامی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و زیست محیطی را دربر می‌گیرد.

امنیت سیاسی؛ اخلال در امنیت و تهدید گاهی ریشه داخلی دارد و البته گاهی تهدیدها خارجی است در فقه سیاسی اسلام نسبت به هر کدام پاسخ‌های مناسب در نظر گرفته شده است تهدیدات داخلی را در قالب‌های همانند بغی، محاربه، قتل آدم ربایی، ترور و امثال آن مورد توجه قرار داده است. در بحث تأمین امنیت خارجی بحث دفاع در قالب جهاد و بازدارندگی ارسال نماینده، سفیر انعقاد پیمانها و غیره توجه شده است. امنیت نظامی؛ بحث امنیت نظامی را فقیهان عمدتاً در کتاب الجهاد مطرح کرده اند.

امنیت اقتصادی؛ در فقه سیاسی اسلام جهت سلامت اقتصاد جامعه و امنیت اقتصادی، راهکارهای اندیشیده شده است؛ و با تهدیدات اقتصادی برخورد جدی صورت گرفته که اگر به صورت درست، بدانها عمل گردد امنیت اقتصادی جامعه اسلامی را تضمین می‌نماید. عمده

ترین تهدیداتی که در فقه مورد توجه قرار گرفته است احتکار، کم فروشی، گران فروشی، اختلاس، سرقت اموال، رشوه خواری، ربا خواری، غش در معامله سرقت، و... است که به عنوان امور ضد امنیتی بوده و تهدید به حساب میاید و لذا از منظر فقهی حرام دانسته شده است. در فقه اسلامی مجازات های جدی برای مرتکبین این گونه اعمال در نظر گرفته شده است.

مرجع امنیت؛ تعیین مرجع امنیت یکی از اساسی ترین پرسش ها برای درک مفهوم امنیت است. « امنیت به عنوان یک مفهوم به هدفی نیاز دارد که بدان استناد نماید و این مفهوم بدون پاسخ به سؤال امنیت برای چه، هیچ معنای ندارد. می توان گفت بر اساس آموزه های دینی، و در نگاه فقهی؛ مرجع امنیت ذومراتب است. بدین معنی که در نخستین گام؛ اسلام و آموزه های دینی» مرجع امنیت است: قاتلوا الذین لایؤمنون بالله ولا بالیوم الآخر ولا یحرمون ما حرم الله ولا یدینون دین الحق و او تو الکتاب حتی یعطوا الجزیه عن ید وهم صاغرون » در این آیه دین به عنوان مرجع نهایی امنیت معرفی گردیده است. چه اینکه، قتال برای حاکمیت قوانین الهی، و اعتلای دین خداوند است. اما اینکه آیه می تواند شاهی برای معرفی مرجع امنیت باشد این است که از یک سو این خطاب عام است شامل پیامبر (ص) و امامان نیز می گردد؛ و از سوی دیگر؛ در جنگ و قتال، جان انسان ها به خطر میافتد؛ اینکه شخص پیامبر و امام ع در جنگ ها شرکت می کردند. و چه بسا خود را فدایی اسلام می کردند. با اینکه آن حضرات اشرف مخلوقات و کائنات اند؛ دلیل بر این است که از نظر آنان آنچه اهمیت درجه یک را دارد و مرجع نهایی به حساب میاید؛ خود «اسلام» است. نفس شرکت در جنگها بیانگر این پیام است. چنانچه امام خمینی ره می فرماید: «حفظ و اقامه نظام اسلامی از اهم واجبات است». در فقه اسلامی در موارد مختلف این حقیقت را بیان شده است: هرگاه کفار بدنبال نابودی اسلام و از بین بردن (اندراس) شعائر آن و محو یاد پیامبر ص و دین باشند، جهاد، در این هنگام واجب است حتی در کنار حاکم جای. ما اگر اسلام را در خطر دیدیم همه مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم، حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیز هاست حفظ خود اسلام از جان مسلمان بالاتر است. اینکه می فرماید حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیز هاست؛ اشاره به ذومراتب بودن مرجع امنیت دارد. ولی اینکه در ادامه می فرماید حفظ اسلام بالاتر از جان مسلمان است؛ مرجع نهایی امنیت را معرفی می کنند.

دوست و دشمن (خودی و غیر خودی) قلمرو خودی در نگاه فقه سیاسی اسلام «دارالاسلام» و یا «دارالعهد» است. در بحث خودی و غیر خودی؛ فقها در بحث سیاست خارجی؛ قلمرو «دارالاسلام» و «دارالعهد» را در یک سو؛ و «دارالحرب» و یا «دارالکفر» را در سوی دیگر مطرح نموده اند. در بحث امنیت داخلی؛ کسانی که قوانین و مقررات نظام اسلامی را رعایت نموده دست به آشوب، شورش و محاربه نزده و به نفع دشمنان نظام اسلامی جاسوسی نمایند. وظایف یک شهروند در نظام اسلامی را انجام بدهند؛ اعم از اینکه مسلمان باشد و یا غیر مسلمان؛ در ذمه خودی قرار دارند. اما غیر خودی ها ذیل عناوینی همانند: باغی، محارب، افساد گر، جاسوس، مرتد، و غیره جای می گیرند که احکام فقهی خود را دارند. اما در بحث امنیت خارجی بحث دارالاسلام، دارالکفر و دارالحرب و دارالعهد و امثال آن مطرح است. که در حد زیادی صف خودی ها را از غیر خودی مشخص می کند. به عنوان مثال: کاشف الغطا همانند صاحب جواهر در خلال مباحث جهاد، بحث خودی و غیر خودی را مطرح نموده در این باره می فرماید: «الجهاد ينقسم، من جهة اختلاف متعلقاته، إلى أقسام خمسة: أحدها: الجهاد لِحِفْظِ بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ إِذَا أَرَادَ الْكُفَّارُ الْمَسْتَحِقُّونَ لِعُضْبِ الْجَبَّارِ الْهَجُومَ عَلَى أَرْضِي الْمُسْلِمِينَ، وَبُلْدَانِهِمْ وَقَرَاهِمَ، وَقَدْ اسْتَعَدُّوا لَذَلِكَ وَجَمَعُوا الْجَمُوعَ لِأَجْلِهِ؛ لَتَعْلُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ، وَتَهْبِطُ كَلِمَةُ الْإِسْلَامِ، وَيَضْرِبُوا فِيهَا بِالنَّوَاقِيسِ، وَيَبْنُوا فِيهَا الْبَيْعَ وَ الْكِنَائِسَ، وَيَعْلَنُوا فِيهَا سَائِرَ شَعَائِرِ الْكُفْرِ، وَيَكُونُ الشَّرْعُ بِاسْمِ مُوسَى وَعِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَيَشْتَدُّ الْكُفْرُ وَيَتَزَايَدُ بِاسْتِيْلَاءِ الْقَائِلِينَ بِالثَّلِيثِ وَغَيْرِهَا مِنَ الْمَنَاكِرِ، النَّافِيَةِ فِي الْحَقِيقَةِ لَوْحَةِ الصَّانِعِ الْخَبِيرِ، كَالْفِرْقَةِ الْأُرُوسِيَّةِ خَذَلَهُمُ اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ وَإِلِهِ. دَرَايْنِ عِبَارَتِ رَسَاءِ، بِه زِيْبَايَ بِه مَبْحَثِ خُودِي وَغَيْرِ خُودِي اِشَارَه مِي كِنْد. چَه اَيْنَكِه دَر يَك طَرَف، كَفَار، وَدَسْتَه هَاي اَنَان، مَنكَرَان حَق، وَاَنَان كِه دَر پِي اِعْتَلَاي كَلِمَه كَفَرَنَد؛ قَرَار كَفْتَه؛ وَدَر سَوِي دِيگَر مَسْلَمِيْن كِه بَايَد اَز قَلْمَرُو خُوِيَش دِفَاع نَمُودَه وَاقْتَدَار اِسْلَامِي رَا حِفْظ نَمَايَنَد.

روش تحصیل امنیت: روش تحصیل امنیت براساس آموزه های فقهی و مبانی اسلامی «ایمان + پرهیز از ظلم» است. چنانکه قرآن کریم می فرماید «الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن وهم مهتدون.» امنیت، در اسلام ابعادی زیادی دارد: همانند روش تحصیل امنیت: روش تحصیل امنیت سیاسی؛ از طریق برقراری عدالت و رعایت عدل و انصاف؛ مشورت،

اعطای آزادی های لازم: از طریق آزادی بیان، آزادی انتخاب، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و مراسم مذهبی و غیره امکان پذیر است. روش تحصیل امنیت اجتماعی؛ از طریق امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، تذکر و رعایت حریم خصوصی مردم، امکان پذیر است.

روش تحصیل امنیت نظامی؛ از طریق جهاد و قتال با دشمنان دین خدا، مرز داری، حفظ سغور مسلمین، امکان پذیر است که در فقه سیاسی مطرح گردیده اند. اصل باز دارندگی معنای وسیع و گسترده ای دارد و شامل آمادگی های دفاعی، تهیه تسلیحات پیشرفته روز، آمادگی روحی و روانی برای دفاع از حریم اسلام و جامعه و قلمرو حاکمیت اسلام، آموزش تکنیک های رزمی و تسلیحاتی، جنگهای تمرینی و رزمایش ها و غیره می گردد که همه این امور در فقه سیاسی اسلام به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

امنیت فرهنگی؛ در فقه سیاسی اسلام از طریق، هجرت، دعوت، امر به معروف و نهی از منکر، پای بندی به آموزه های دینی، امکان پذیر است.

امنیت اقتصادی، از طریق برقراری عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مبارزه، با عوامل مخل امنیت اقتصادی همانند، احتکار، کم فروشی، غش در معامله، رشوه خواری، کلاهبرداری و غیره امکان پذیر است..

آخرین راهکارهای استراتژیک است که سه مؤلفه قابل تقسیم بندی است، حفظ وضع موجود؛ تغییر وضع موجود؛ دفاع و جنگ و صلح. فقه سیاسی اسلام، همواره بر تغییر وضع موجود می کوبد و این تغییر تا ظهور عصر مهدوی (عج) ادامه خواهد داشت. در فقه سیاسی اسلام اصول راهبردی وجود دارد که کار بست این اصول، در فرایند زندگی اجتماعی می تواند منجر به تغییر وضع- موجود؛ گردد. و عمده ترین این اصول عبارتند از: امر به معروف و نهی از منکر، هجرت، دعوت، دعا، و اصل انتظار.

کتابنامه

- افتخاری، اصغر، اخلاق مودت روابط بین‌الملل: رویکرد قرآنی، مهدی ذاکریان به اهتمام اخلاق و روابط بین‌الملل، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
- افتخاری، اصغر، امنیت ملی رهیافت‌ها و آثار، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
- افتخاری، دکتر اصغر - دکتر قدیر نصیری، روش و نظریه در امنیت پژوهشی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- انیس، ابراهیم، و دیگران، المعجم الوسیط، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ایازی، محمدعلی، کرامت انسان و آزادی در قرآن، در اصول و مبانی کرامت انسان، مؤسسه نشر آرمان، ۱۳۸۶.
- باری بوزان، مردم دولت‌ها و هراس، ترجمه، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- پوراحمدی، حسین، اسلام و روابط بین‌الملل، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- دکتر عبدالله خانی، نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر، ۱۳۸۹.
- ربیعی، علی، مطالعات امنیت ملی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- ربیعی، علی، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
- رفیع‌پور، کندوکاوها و پنداشته‌ها
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۷ق.
- علوی‌فر، سید ناصر، راه‌کاری تأمین و توسعه امنیت، تهران، جهانگیر، ۱۳۸۵.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد ۳، تهران، امیر کبیر.
- فانک، ریچارد، نظریه واقع‌گرایی و امنیت جهان در ارزیابی انتقادی در قرن بیستم.
- مجله سیاست دفاع، شماره ۳، ۱۳۸۹.

مجلسی، محمدباقر، بحالانوار، بیروت، ۱۳۸۵ق.

مرادیان، دکتر محسن، تهدید امنیت (تعاریف و مفاهیم)، تهران، مرکز آموزشی پژوهشی شهید صیاد شیرازی، ۱۳۸۸.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.

موسوی کاشمیری، سید مهدی، دولت اسلامی، و امنیت، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
نصری قدیر مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال نهم شماره سوم، زمستان ۱۳۸۱.

نوی، محیی الدین أبو زکریا یحیی بنشرف الحورانی، بی تا، المجموع، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

نیشابوری، الحاکم الکبیر ابواحمد، ۱۹۸۰م، معرفة علوم الحدیث، تحقیق: لجنة احیاء التراث العربی فی دار الآفاق الجدیدة و تصحیح السید معظم حسین، بیروت، منشورات دارالآفاق الحدیث، الطبعة الرابعة.

نیشابوری، مسلم بن الحجاج، بی تا، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.

. هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر بن سلیمان، ۱۹۸۸م، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب العلمیة

نظریه های امنیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشکده عالی دفاع، ۱۳۸۷. ۲۹.

Bjor Moller, Common Security and non offensive Defence: A neorealist

Charls Kupchan and Clifford Kupochan, consort collective Security and the

.۱۹۹۱(Summer, ۱)future of Europe International Security no

.۱۹۹۲Perspective, Boulder, Colo: Lynne Rienner, London: VLL press,

.۱۵۵Waerer securitization and Desecutitization Ibid

Michalc, Williams Worok, Lmaye Enem enemies securitization and

۴;۵;۲۰۰۳no ۴۷international politics international studies quarterly

